

بررسی رابطه آثار هنری شهری و هویت بصری و تاثیر آن بر سلامت روان جامعه

چکیده

پژوهش حاضر به منظور بررسی و شناخت تاثیرات آثار هنری شهری بر سلامت روان ساکنین یک شهر صورت پذیرفته است. برای این منظور آثار هنری واقع در شهر تهران به عنوان نشانه های بازشناسی هویت فردی و شهری مطرح گشته اند تا شهر به مثابه یک نظام نشانه شناسی که هر لحظه در حال تالیف از سوی شهروند مخاطب خویش است، مورد مطالعه قرار گیرد. سوال های مطرح شده در این پژوهش بدین شرح است: آیا شهر به کمک آثار هنری خود (نشانه ها) می تواند نماد روشنی از تصور جامعه از خود و جهان هستی را به نمایش بگذارد؟ آیا این نشانه ها هویت شهر و شهروندش را به نمایش می گذارد؟ هویت در فضای شهری چه تاثیری بر سلامت روان شهروندانش دارد؟ نتایج بدست آمده در این پژوهش که به شیوه کیفی و توصیفی با استفاده از روش مورد پژوهی، که در آن آثار هنری نصب شده در میدان انقلاب به عنوان مکانی با هویت تاریخی و فرهنگی برای مخاطبانش و اتوبان همت یکی از کلیدی ترین مسیرهای ارتباطی شهروندان در تهران به عنوان نمونه های انتخابی مورد بررسی قرار گرفته اند، نشان می دهد که نقش اصلی آثار هنری واقع در شهر، هر کدام با رویکرد متفاوتشان، ارائه کردن یک هویت مشترک به ساکنانی متفرق است. این هویت در فضای شهری از طریق ایجاد تفاوت های معنی دار باعث ایجاد دل بستگی و خاطره ذهنی می شود که دستاوردش همان احساس امنیت و آرامش و در نهایت سلامت روان در جامعه است.

واژه های کلیدی: آثار هنری شهری، نشانه ها، هویت بصری، سلامت روان، اتوبان همت، میدان انقلاب

The study of relation between urbanism artworks and visual identity, and their effects on social sanity

Abstract

In this study, the effects of urbanism artworks on social sanity of citizens of a city, is examined. In this regard Tehran's artworks as recognition symbols of individual and civil identity is sampled, in which the city is considered as a symbolic system written by its own citizens time to time.

This research is going to find answers of some questions, such as: whether the artworks of the city would be a clear conception of its own society and the cosmos? Whether these symbols represent the city and citizens' identity? What is the effect of urban identity on social sanity of the citizens?

The research is a descriptive and qualitative analysis of a case study, in which Inqilab Square's artworks as a historical and cultural place and Hemmat autobahn as a main road of people in Tehran, is sampled. The result of this research shows the fundamental role artworks in the city with their distinctive attitudes deliver a common identity between its scattered citizens. Affection and imagery memory based on meaningful differences of this urban identity creates tranquility and security feeling which finally leads to social sanity in the sample society.

Keywords: urbanism artworks, symbols, visual identity, social sanity, hemmat autobahn, Inqilab square

برای رسیدن به جزء می بایست از کل آغاز نمود. پس برای سخن گفتن از آثار هنری شهری و ساختار و تعاملشان با محیط و مخاطب لازم است که از شهر به عنوان ابر واحدی شکل یافته از این ریز واحد ها، آغاز کرد.

شهر نوعی سازمان یافتگی در فضا است؛ بستری مناسب برای فرهنگ سازی، فرهنگی که یکی از مهمترین حلقه های ارتباطی میان انسان و شهر است و به طور حتم شهر بی فرهنگ شهر بی هویت است. در اینجا مقصود از هویت، محل است؛ یک محل معین، حدی که شخص می تواند یک مکان را متمایز از سایر مکانها شناخته و یا بازشناسی کند به طوری که شخصیتی مشخص، منحصر به فرد و یا حداقل مخصوص به خود را دارا باشد. هویت مکانی پیوند نزدیکی با هویت شخصی پیدا می کند. اینکه «من اینجا هستم» حکایت از «من هستم» می کند. عنصر دیگر معنی ساختار رسمی است که در ارتباط با جهت یابی قرار می گیرد، دانستن اینکه شخص کجاست (و یا در چه زمانی است). هویت و ساختار جنبه هایی از شکل هستند که به ما امکان می دهند فضا و زمان را شناخته و در قالب الگوهای خود معرفی نماییم (لینچ، ۱۳۸۱: ۱۷۳-۱۶۸). پس اگر ما به هویت بخشی فضا معتقد باشیم، مهم است که فضای شهر دارای ساختاری قابل درک و نواحی متفاوت با ویژگی های قابل شناسایی باشد. یکی از مواردی که ما را در شناسایی محیط و فضا کمک می رساند «نشانه» ها هستند. از خصوصیات و مشخصه های نشانه ها بی نظیر بودن آنهاست؛ عاملی که منحصر به فرد باشد و در ذهن خاطره ای بگذارد. به گفته ی لینچ^۱ شهر تا حدود زیادی از طریق علائم و نشانه ها به هم پیوند می خورد تا با نظم مکانی و یا اتصالات مکانیکی و یا انسجام ارگانیک. به وسیله این نشانه ها محیط باید به درجه ای از نمایانی برسد که به گونه ای با امیدها و امیال ساکنین آن شهر پیوند بخورد و در این صورت است که محیط زندگی به معنای واقعی جایی می شود که قابل ملاحظه است و مظاهر شناختی نیکویی دارد. سخن از نشانه ها که به میان می آید بیگمان ذهنمان به سمت متن (Text) کشیده می شود. آری، شهر نیز می تواند یک متن باشد، یعنی نظامی از نشانه ها که در تعامل با هم معنا را رقم می زند. نشانه های متن روابط گوناگونی دارند؛ کشف و خلق این روابط، بازخوانی متن است. در اینجا عابر شهروند ما نقش خواننده ی این متن و نشانه هایش را ایفا می کند و اوست که می تواند با خوانشی درست بر اساس تجربه ی زیسته ی خود به درک این نظام و جایگاه خود در آن فایق آید.

والتر بنیامین^۲ در کتاب پروژه پاساژهایش^۳ مطرح می کند که: «هیچ چیز بیش از چهره ی یک کلان شهر سورالیستی نیست.»، او تصویری از پاریس مدرن زده ی اوایل قرن بیستم در مقام یک «ولگرد» و یا «پرسه زن»^۴ را مطرح می کند تا به جستجوی نشانه های زندگی بورژوازی قرن نوزده در شهر بپردازد. از نظر او توده مردم در رویایی که زندگی مدرن برایشان فراهم کرده، در روزمرگی شان غرق شده اند و در این میان تنها هنر و زیبایی شناسی ست که می تواند بصیرتی درست بدیشان ببخشد. برای بنیامین چهره ی سورالیستی یک کلان شهر مجموعه ای شکل یافته از همین نشانه هاست، آثاری که در سطح شهر در دل واقعیت زندگی روزمره ساکنانش همچون جرقه ای ظهور می کند و به عابر پرسه زن معاصر، با خوانشی که او از آنها می یابد می شناساند که او کیست و در کجا قرار دارد.^۵

¹ Kevin Andrew Lynch

² Walter Benjamin

³ Le livre des passages

⁴ «پرسه زن»، نماد نوعی زیستن در سایه ی تجربه ی شهری است. وجوه پارادوکسیال و متناقض نمای ماهیت پرسه زن که هم به مثابه «ناظر صحنه ی

تماشایی شهر» و هم منظره ای برای دیده شدن که در بیانی دیگر، پرسه زن بیننده ایست که دیده می شود، محسوب می شود. پرسه زن در وضعیت نقیضه وار خود در آفرینش «متن» شهر در دوره ی مدرن به زعم دیوید فیژی می تواند به مثابه جامعه شناسی دیده شود که در پی خواندن فضاهای شهری، کشف و رمز

گشایی معنایی آن است، در نتیجه او نشانه های شهر را به فضایی خواندنی بدل می سازد.

کازمی، عباس، پرسه زنی و زندگی روزمره ی ایرانی

⁵ در اینجا اشاره ام به بنیامین از آن جهت است که نگاه من را نسبت به زندگی مدرن و روزمره و جایگاه هنر در عصر بازتولید تا حدودی نشان می دهد؛ یعنی «...» هنری که با زندگی مردم کوچه و خیابان پیوند عمیقی دارد و حاصل تجربه ی همگانیست».

آثار هنری شهری و هویت فردی

در اینجا می‌خواهیم آثار هنری شهری را به عنوان یکی از نشانه‌های هویت ساز یک مکان، در متن شهر معرفی کنیم، تا به اهمیت حضور و نقش این آثار در ارتباط با فرهنگ و سلامت روان ساکنین یک شهر پی ببریم.

با این نگاه آیا آثار هنری شهری ما معانی فرهنگی، غنای تاریخی، نمادها و اشکال سنتی جامعه‌شان را در بر می‌گیرند؟ آیا شهر به کمک این نشانه‌ها توانسته نماد روشنی از تصور جامعه از خود و جهان هستی را به نمایش بگذارد؟ شهروند خواننده‌ی ما چه بازخوانی می‌تواند از این متن آشفته داشته باشد؟

به طور مثال یک کودک که در شهر پاریس به دنیا آمده از لحظه تولد همراه با تجربه‌ی زیسته‌ای که کسب می‌کند به کمک تمامی نشانه‌های شهری، با تاریخ، تمدن و فرهنگ شهرش پیوند می‌خورد، در حالی که یک کودک متولد شده در تهران با حضور و زیست در شهری بی‌هویت (بصری) و بی‌نشانه هیچگاه با تاریخ روبرو نمی‌شود. او شهرش را مکانی آشنا و با هویت نمی‌یابد که در بستر امنش به آرامش برسد. فروید⁶ در مقاله‌ای به نام «نگرانی از بیگانگی»⁷ به بیان این مطلب می‌پردازد که فرد در مواجهه با مکان، اشیا و یا هر چیز بیگانه‌ای دچار اضطراب، ترس و عدم آرامش می‌شود؛ در حالی که مکان و فضای آشنا می‌تواند او را به آرامش روحی و روانی برساند و سلامت را تضمین نماید. به عنوان مثال در «سردر باغ ملی» که یکی از نشانه‌های تهران قدیم بوده است ما با اثری مواجهیم که در دل خود آثار هنری هنرمندان معاصرش را بر خود به یادگار دارد: کاشی کاری هایش اثر استاد خاک نگار مقدم، در سردر شعری از ندیم الملک و دروازه‌های چدنیش اثر استاد محمدعلی کرمانیست؛ حال نگاهی بیاندازید به گذرگاهی در تهران معاصر، مثلا تونل رسالت یا پل هوایی اتوبان صدر، آیا اثری از یک نشانه که به ما زمان و یا مکان این سازه‌ها را بدهد می‌یابید؟ آیا ۱۰۰ سال بعد می‌توانیم هویت مردمان آن منطقه را از روی آنها بازخوانی کنیم؟

چه چیز، جز همین نشانه‌ها می‌تواند محیطی بیگانه را تبدیل به فضایی آشنا بکند و سلامت روان مخاطبانش را با بخشیدن حس امنیت به آنها تضمین نماید؟ فرض کنید برای اولین بار به تهران سفر کرده‌اید، ساعاتی طولانی را پیاده روی کرده‌اید و در ازدحام جمعیت، کوچه‌ها و شلوغی خیابانها جهت را فراموش کرده و گم شده‌اید، حال اضطراب و ترس از حضور در مکانی بیگانه و نا آشنا شما را در بر گرفته است، در این موقعیت شما سعی در یافتن یک نشانه‌ی هویت دار از شهر تهران دارید که قبلا با آن آشنا شده و یا در خاطر تان نقش بسته است؛ بنایی، میدانی، گنبدی و یا مجسمه‌ای! می‌یابید؟ هر نشانه بصری که به شما بگوید در چه محله و منطقه‌ای از تهران هستید و با چه فرهنگ اجتماعی روبروید؟! اکنون تصور کنید شما آن مسافر خوش شانس نیستید که تنها یک بار در تهران گرفتار شده‌اید بلکه یکی از ساکنین مناطق تهرانید و با این بی‌هویتی بصری و عدم سلامت روانی ناشی از آن هر روز مواجهید! پس می‌بینید که هویت در ساختار تجسمی هنر امروز از ارزش مضاعفی برخوردار است. هویت در فضای شهری از طریق ایجاد تفاوت‌های معنی دار باعث ایجاد دل‌بستگی و خاطره‌ذهنی می‌شود که دستاوردش همان احساس امنیت و آرامش و در نهایت سلامت روان است. واژه سلامتی یک مولفه‌ی سه بعدی است: سلامت روانی، اجتماعی و جسمانی که هیچکدام از این مولفه‌ها هرگز نمی‌تواند بدون اثر بخشی آن دیگران، سلامت روانی افراد و در نهایت جامعه را تامین کند. آثار هنری واقع در شهر نظیر مجسمه‌ها، دیوار نگاره‌ها و فضاهای دارای هویت به مخاطبانشان در محیط، گذشته‌ای به قدمت خود می‌بخشند و حس هویت و ماندگاری را تقویت می‌کنند و ازین طریق مخاطب شهروند خود را به آرامش می‌رسانند.

میدان انقلاب

پی‌یر، خوزه، پاپ آرت، صص ۲۸-۲۷

⁶ Sigmund Freud

⁷ L'inquiétante étrangeté

میادین مرکز ثقل توجه عینی برای عابرین و سواره ها هستند. از نظر بصری مجسمه و اثری که در مرکز میدانی باشد به دلیل مرکزیت، بیشتر از هر محیطی توجه مخاطبینش را به خود جلب می کند. اکثر ما نقش برجسته ی دورانی^۸ نصب شده در میدان انقلاب را به یاد داریم ، اثری که با توجه به مکان و تاریخچه ی آن، هویتی بصری یافته بود و نمایانگر خود «انقلاب» برای عابران بود. بعد از سالها بمنظور به سازی نمای شهری فرمی محذب و نسبتا تخت با تزئینات سنتی^۹ جایگزین نقش برجسته ی مذکور گشت که در اندک زمانی با پس زدن مردم(مخاطبین عام) و صاحب نظران بسیاری مواجه گشت. دلیل آن را چه می دانید؟ اگر فرض را بر این بداریم که فرم مذکور از نظر بصری غنی و مطابق با معیارهای زیبایی شناسی معاصر بوده (که مسلما این چنین بوده) و هر دو کار آفرنش ذهن خلاق هنرمندانی معاصر بوده اند؛ آیا دلیل، چیزی جز گم شدن تاریخ و هویت آن منطقه ی خاص بوده است؟ مردمی که در مکانی تجربه ی زیسته ای را دارند که خاطره ای مشترک را بینشان شکل داده و هویتی را به محیط و آنان بخشیده، دیگر نمی توانند این فضای آشنا را با نشانه ای بیگانه بپذیرند. این مردم در نقش خواننده عابر متن شهر خود نمی توانند بی نشانه این فصل را هر روز بازخوانی کنند. فارغ از بیان این مطلب که میدانی با وسعت دید انقلاب به اثری مرتفع تر و با چشم اندازی وسیع تر نیازمند است.

برای بررسی هرچه بهتر، تعداد شصت و پنج عدد پرسش نامه با محوریت بررسی آثار نصب شده در میدان انقلاب (طرح قدیم و جدید آن)، توسط شهروندان رهگذر این میدان پر شده است که حاصل آن در جدول فوق قابل مشاهده است.

جدول ۱: اثر قدیم/ نقش برجسته با موضوع انقلاب (ایرج اسکندری)

اثر نشانگر میدان «انقلاب» بوده است	اثر خاطره ساز و به یاد ماندنی بوده است	اثر «زیبا» بوده است	اثر متناسب با مکان بوده است	
۴۵	۴۰	۳۷	۴۹	بله
۱۳	۱۶	۱۷	۱۱	خیر
۷	۹	۱۱	۵	بی نظر

جدول ۲: اثر جدید/ فرم محذب با نقوش سنتی (سعید روانبخش)

اثر نشانگر میدان «انقلاب» است	اثر خاطره ساز و به یاد ماندنی است	اثر «زیبا» است	اثر متناسب با مکان است	
۱۹	۲۱	۲۸	۱۸	بله
۴۱	۳۲	۳۲	۳۸	خیر
۵	۷	۱۳	۹	بی نظر

جدول ۳: کدام اثر نصب شده در میدان انقلاب (برای مخاطب) قابل پذیر تر است؟

نقش برجسته با موضوع انقلاب اثر آقای ایرج اسکندری	فرم محذب با نقوش سنتی اثر سعید روانبخش
۴۷	۱۸

۸ اثر ایرج اسکندری
 ۹ اثر سعید روانبخش



شکل ۱: اثر قدیمی نصب شده در میدان انقلاب



شکل ۲: اثر حال حاضر میدان انقلاب

اتوبان همت

بررسی دیگر مربوط به فضای اطراف اتوبان است؛ اتوبان این نماد مدیرینته شهری.

اتوبان همت یکی از زیباترین و تا حدودی کلیدی ترین اتوبان های شهر تهران است که با تعداد زیادی خروجی در طول شرقی غربیش به شمال و جنوب بارها گسترش می یابد و اغلب به دلیل همین نقش کلیدی در جابجایی شهروندان از ترافیک نسبی در اکثر ساعات روز برخوردار است، ترافیک در مواجهه با مجسمه های شهری، دیوارنگاره ها و سایر آثار هنری به معنای زمان بیشتر روبرویی مخاطب با اثر است. مشاهده ی یک اثر هنری زیبا (با معیارهای زیبایی شناسانه) از طریق دریافت و بیان احساسات مشخص می تواند در مخاطب شهروند در ترافیک مانده احساس نشاط، عزت نفس و آگاهی شخصی را بوجود آورد و دقایق و یا ثانیه های مواجهه ی او با اثر را به لحظاتی التیام بخش مبدل سازد. در تصاویر پیش رو ما با چند اثر مواجه می شویم که همه در اتوبان همت نصب نشده اند. آیا می توانید ارتباطی بین این آثار بیابید؟ آیا در ساخت و انتخاب محل نصب آنها معیاری جز «دیده شدن» هم مد نظر بوده است؟ مخاطب در این اتوبان چشمانش میان گله ی اسب ها به فرفره ها، گل نماهایی رنگی به آثار نوشتاری ... کمی دورتر به ظاهر انسان هایی (ضعیف در فرم بصری) با چرخ های دوار تا دوچرخه هایی در هم تنیده برگرفته از کار هنرمندی خارجی، موزاییک کاری های برخی دیواره ها و زیرگذرها تا کاشی های پرینت شده و غیره و غیره، دو دو می زند. آیا می توان توقع داشت که مسافر و یا راننده ای در پایان راهی از ترافیک این اتوبان که از غرب به خرازی و از شرق به صیاد می رسد ضربه ای از تنش و اضطراب ناشی از ازدحام را در هنگام مواجهه با اثری جا گذاشته باشد؟

با توجه به تعداد ۷۱ پرسشنامه پر شده، بعید می دانیم.

جدول ۲: بررسی آثار نصب شده در حاشیه اتوبان همت

آثار با هم هماهنگند	آثار با محیط نصب خود ارتباط دارند	دیدن آثار در ترافیک آرامش بخش است	دیدن آثار به زیبایی محیط افزوده است	
۲۷	۱۹	۲۱	۲۸	بله
۲۹	۴۱	۴۶	۳۴	خیر
۱۵	۱۱	۴	۹	بی نظر



تصویر ۳: فرقه اثر ساجده پروچی، حاشیه اتوبان همت



تصویر ۴: دوچرخه اثر اشرف کریمی، حاشیه اتوبان همت



تصویر ۵: ذکر صلوات اثر علی اصغر گلناری، حاشیه اتوبان همت

این در حالیکه در بحث بالا تمامی مطالب مطرح شده نه به قصد زیر سوال بردن آثار شهری صرفاً به عنوان تک اثر هنری (مستقل از محیط) از دیدگاه زیبایی‌شناسی فرمال بلکه به منظور روشن‌سازی جایگاه و نقش آنها در شهر و در تعامل با شهروندان بود، که نقش اصلی آثار هنری واقع در شهر، هرکدام با رویکرد متفاوتشان (صرفاً زیبا، شادی بخش و مفرح، سمبلی بصری تاریخی و ...) ارائه کردن یک «هویت» مشترک به ساکنانی متفرق است. واضح و میرهن است که داشتن امتیازات زیبایی‌شناسانه اولین شرط ملزوم برای پذیرفتن شیء واره‌ها^{۱۰} به عنوان اثر هنریست. به بیان دیگر عمده‌ترین تفاوت میان اثر هنری شهری (واقع در فضای عمومی شهر) با یک اثر هنری مستقل از مکان، در رابطه‌ی بین مخاطب و محیط است.

نتیجه‌گیری

با بررسی ۶۶ پرسشنامه در رابطه با اثر نصب شده در میدان انقلاب و ۷۱ پرسشنامه پر شده در رابطه با آثار نصب شده در حاشیه اتوبان همت و نتایج حاصل از آن به جرات می‌توان گفت شهر به مثابه متن همواره وابسته به خوانندگانش است به طوری که در اینجا نقش اصلی مولف را نه تنها خالق متن بلکه خوانندگان نیز بر عهده دارند. هنگامی که سیاست‌گذاران فضای شهری به فکر سفارش اثری برای مکانی در شهر هستند می‌بایست بی‌شک جز اندیشیدن به پروسه‌ی تولید و انتخاب هنرمند خلق‌کننده‌ی اثر، به مکان، مخاطب، نیازهای روانشناسانه و جامعه‌شناختی و نیز رابطه و تعامل همه‌جانبه‌ی این سه با هم، بیش از پیش بی‌اندیشند؛ تا بدین سان بشود شهر را به فضایی امن و دارای فرهنگی والا برای ساکنینش بدل کرد که اگر جز این باشد شهر تبدیل می‌شود به یک نظام نشانه‌شناسی کاملاً شناور، یک آشوب که هر لحظه به شکلی تالیف می‌شود. به عبارت دیگر، هر بازخوانی از شهر، برشی از نظام آشوب شهر را به مثابه متنی تالیف می‌کند و در این میان شهروند خواننده‌ی این متن پر آشوب است که بیشترین آسیب را می‌پذیرد.

الینچ، کوین/ تئوری شکل شهر/ ترجمه‌ی سید حسین بحرینی/ انتشارات دانشگاه تهران/ ۱۳۸۱

رید، هربرت/ هنر و اجتماع/ ترجمه‌ی سروش حبیبی/ انتشارات امیرکبیر/ ۱۳۵۲

هوهنه‌گر، آلفرد/ نمادها و نشانه‌ها/ ترجمه‌ی علی صلح‌جو/ تهران/ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی/ ۱۳۸۱

احمدی، بابک / خاطرات ظلمت / نشر مرکز / ۱۳۷۶

پی‌یر، خوزه / پاپ‌آرت (مجسمه‌سازی، نقاشی) / ترجمه میترا رستمی پور / فرایند / ۱۳۷۹

کاظمی، عباس / پرسه‌زنی و زندگی روزمره‌ی ایرانی / آشیان / تهران

بیکن، ادموند / طراحی شهرها / فرزانه طاهری / مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران / چاپ اول ۱۳۷۶

برمن، مارشال / تجربه‌ی مدرنیته / مراد فرهادپور / انتشارات طرح‌نو / چاپ دوم ۱۳۸۰

لنگ، جان / آفرینش نظریه‌های معماری: نقش علوم رفتاری در طراحی محیط / علی‌رضا عینی‌فر / دانشگله تهران / تهران / ۱۳۸۳